

## فصل بیست و نهم

# مقدس و خدمات آن

هنکامیکه موسی در کوه سینا بود این فرمان به وی نازل شد که "بنی اسرائیل باید خیمه مقدسی برایم بسازند تا در میان ایشان ساکن شوم." (۱) برای بنای آن، دستورات کاملی داده شد. بنی اسرائیل بسبب تمرد بزرگشان از برکت حضور الهی محروم شدند و بالنتیجه در آن وضع شایستگی بنای معبد را نداشتند. ولی پس از تجدید وفاداری به خداوند، رهبر بزرگشان در اجرای امر خداوند مصمم شد.

از طرف خداوند اشخاصی هوشیار و با ایمان و متخصص در امور ساختمانی برای بنای معبد برگزیده شدند و خود خداوند نقشه معبد را با دستورات قطعی در مورد طول و عرض و نوع مصالح و شکل مفروشات آن بموسی الهام فرمود. این مکان مقدس که بدست انسان ساخته میشد نمونه و سایه ای از چیزهای آسمانی بود. (۲) یعنی نمونه ای از معبد آسمانی، جایی که مسیح رئیس کهنه (کاهنان) واقعی پس از قربانی نمودن

جان خود قرار شد شفیع گناهکاران باشد. خداوند منظره ای از معبد آسمانی را بموسی نشان داد و امر فرمود مقدس را عیناً مانند آن بسازد. دستورات فوق را موسی دقیقاً یادداشت نمود و آنها را به سروران قوم تکرار کرد.

برای بنای مقدس تدارکات گران و فراوان لازم بود. مصالح ساختمانی آن بسیار نایاب و گرانبه بود و با این حال خداوند فقط هدایای آزاد و داوطلبانه را میپذیرفت. "به بنی اسرائیل بگو که هدایا به حضور من بیاورند. از کسانی هدیه قبول کن که با میل و رغبت می آورند." (۳) موسی این امر الهی را به جمع اسرائیل اعلام داشت. بنابر این فداکاری و از خودگذشتگی اولین شرط لازمه برای بنای معبد بود.

مردم متفقاً موافقت خود را اظهار داشتند: "کسانی که تحت تأثیر قرار رفته بودند با اشتیاق بازگشتند و هدایایی برای آماده ساختن لباسهای مقدس، خیمه و وسایل مورد نیاز جهت خدمت در آن با خود آوردند تا به خداوند تقدیم کنند. مردان و زنان با اشتیاق زیاد آمدند و جواهراتی از قبیل سنجاق، گوشواره، انگشتر، گردنبند و اشیا دیگری از طلا تقدیم کردند." (۴)

«برخی نیز نخهای آبی، ارغوانی و قرمز، کتان لطیف، پشم بز، پوست سرخ شده قوچ و پوست خز آوردند. عده ای دیگر نقره و مفرغ به خداوند تقدیم کردند. بعضی هم چوب اقاچیا برای ساختن خیمه با خود آوردند.»

«زنانی که در کار ریسندگی مهارت داشتند، نخهای آبی و ارغوانی و قرمز و کتان لطیف و پشم بز را ریسیدند و آوردند. بزرگان قوم، سنگ جزع و سنگهای قیمتی دیگر برای تزئین ایفود و سینه بند کاهن آوردند، و نیز عطریات و روغن برای روشنائی و روغن مسح و بخور معطر.» (۵)

مادامی که بنای مقدس ادامه داشت پیر و جوان از مرد و زن و اطفال به آوردن هدایای خود آنقدر ادامه دادند که افزون تر از آنچه مورد لزوم بود گردید. آنگاه مسئولین امر اعلام کفایت کردند. پس موسی فرمود تا در اردوگاه ندا کرده، بگویند که دیگر کسی هدیه نیاورد. بدین ترتیب بنی اسرائیل از آوردن هدیه بازداشته شدند. چون هدایای موجود، برای اتمام کار خیمه بیش از حد مورد نیاز بود.» (۶) بهانه جوئی های بنی اسرائیل و مجازات های عادلانه خداوند همه ثبت گردید، تا برای نسل های آینده درس عبرتی باشد. از خودگذشتگی و فداکاری، همت و

سخت‌آوران همه پسندیده و شایسته آن است که مورد تقلید ما قرار گیرند. شیفتگان عبادت خداوند و مشتاقان حضور درگاهش در تقدیم هدایای خود همان روحیه از خودگذشتگی را نشان خواهند داد و گرانبهاترین و بهترین مایملک خود را به پیشگاه احدیت تقدیم می‌دارند. بنای معبد از طریق قرض و تعدیه بیحرمتی نسبت به ذات مالک کل جهان می باشد بنابراین هر فرد خداپرستی با رضایت کامل در حدود توانایی خود از بذل مال خود برای بنای عبادتگاه‌ها نباید دریغ کند تا زمانیکه مسئولان اعلام کنند "مردان و زنان هیچ کاری دیگر برای هدایای قدس نکنند."

خیمه عبادتگاه بنحوی ساخته شد که هنگام کوچ، قوم بتواند آن را باز کرده همراه خود منتقل کنند. نظریه اینکه دائم در حال مهاجرت بودند خیمه را کوچک ساختند بطوری که طول آن تقریباً هفده متر و عرض و بلندی از پنج متر و نیم تجاوز نمی‌کرد. با این حال خیمه بسیار باشکوهی بود. داربستها و مفروشات آن را از درخت اقاقی یا صمغ که دوام آن از تمام چوبهای موجود در سینا بیشتر بود ساختند. تخته‌های عمودی با بست‌های نقره‌ای دیوار معبد را شکل داده بود که با ستون‌ها

و بندهای مخصوصی محکم شده بودند تمامی این مصالح را روپوشی از طلای ناب پوشیده شده بودند که گوئی همه خیمه از طلای خالص ساخته شده است. سقف آن از چهار پرده که پرده زیرین آن از کتان نازک تابیده و لاجورد و ارغوان و قرمز با کروبیان از صنعت نساجی ماهرانه ساخته بودند مزین بود. (۷) سه پرده دیگر که بترتیب از پشم بز، پوست قوچ و پوست خوک آبی ساخته شده بود معبد را از باد و باران محفوظ می داشتند.

معبد توسط پرده بسیار زیبا و گرانبهائی که از ستونهای طلاپوش آویزان بود به دو قسمت تقسیم شده بود و پرده مشابهی بآن مدخل اطاق اول را میپوشانید. این پرده ها و پوشش داخلی آن که سقف معبد را تشکیل میدادند از سوزنکاری ماهرانه با نقوش و با رنگهای آبی و بنفشه و ارغوان و نخ طلائی و نقره ای با نمای کروبیها حاکی از جنود آسمانی که در معبد اصلی سماوی خدمت می کنند و ارواحی که هاوی و راهنمای مؤمنین میباشند مزین شده بود.

خیمه عبادت در وسط محوطه با پوششی از پرده های کتانی که از ستونهای برنجین آویزان بود قرار داشت، مدخل صحنه که آن نیز از پرده

بسیار گرانبها و کاردستی بسیار زیبایی ساخته شده بود در طرف شرقی آن قرار داشت. ارتفاع دیوارهای صحنه تقریباً نصف دیوارهای معبد بود بنابراین معبد از بیرون به آسانی دیده میشد. داخل صحنه و جلوی در ورودی معبد مذبح برنجین قربانیهای سوختنی قرار داشت. تمام قربانیهای که قرار بود برگذار شوند بر روی این مذبح قرار میدادند و خون قربانی را بر چهار زاویه آن میپاشیدند. حوضچه ای برنجین بین مذبح و در معبد قرار داشت که از آئینه های اهدائی بانوان ساخته شده بود. قبل از دخول به معبد مقدس یا تقرب بمذبح برای گذراندن قربانی سوختنی، کاهنان دست و پای خود را در این حوضچه میشستند.

میز نان تقدمة، شمعدان، چراغدان و مذبح بخور را در اطاق اول یا قدس قرار داده بودند. میز نان تقدمة با تاج زینت و روپوشی از طلای خالص بسمت شمال قرار داده و کاهنان هر روز سبت دوازده گرده نان را در دو دسته با پوششی از کندر روی میز قرار میدادند. از آنجائیکه آن گرده ها مقدس بودند تنها کاهنان حق خوردن آنها را داشتند. چون اطاق معبد فاقد پنجره بود بنابراین از خاموش کردن تمام شمعها بخاطر روشنائی آن محل صرفنظر میکردند. مذبح طلائی بخور را در مقابل پرده

ای که قدس را از قدس الاقداس جدا میکرد و پیش درگاه حضور خداوند بود قرار دادند. قرار بود کاهنی هر صبح و شام در این مذبح بخور بسوزاند و خون قربانی را بر آن بپاشد. خداوند خود آتش این مذبح را افروخته بود و آن معنی خاصی داشت و بخور معطری شبانه روز داخل معبد و اطراف آن را مطبوع میگردانید.

قدس الاقداس پشت پرده قرار گرفته بود و تشریفات معنوی کفاره و شفاعت در آن محل انجام میشد و در واقع نمایانگر رابطه آسمان و زمین بود. در این قسمت تابوت عهد که صندوقی از چوب افاقیا با روپوش طلائی و تاجی از طلای خالص که بر آن قرار داشت ساخته شده بود. این تابوت محل قراردادن الواح سنگی بود که خداوند احکام دهگانه را بر آن مرقوم فرموده بود. بدین سبب آن را تابوت عهد نامیدند چون احکام اساس عهد بین خداوند و اسرائیل بود.

روپوش تابوت مقدس تخت رحمت نامیده میشد. این روپوش یک پارچه طلا بود و بر دو انتهای آن یک فرشته طلائی نصب شده بود. بالهای فرشته ها یکی بسوی خدا به آسمان اشاره میکرد و با بال دیگر بدن خود را در ادای احترام و تواضع می پوشانید.(۸) این فرشته های

طلائی روبروی یکدیگر در حالی که با احترام بسوی تابوت عهد مینگریستند قرار داشتند. این حالت نمایانگر احترامی است که جنود آسمانی نسبت به احکام خداوند و علاقه ای که نسبت به نقشه نجات وی دارند.

نمایانگر مظهر الهی قرار

داشت که از آنجا خداوند اراده خود را امر میفرمود. بعضی از مواقع پیام الهی از میان ابرها به رئیس کاهنان میرسید. و گاهی درخشیدن نور بر فرشته سمت راست علامت تأیید و موافقت خداوند بود و وجود ابر با سایه بروی فرشته سمت چپ نمایانگر عدم رضایت و یا پاسخ منفی خداوند بود.

احکام خداوند که در تابوت قرار داشت قانون اساسی عدالت و داوری بود. آن احکام متخلف را بمرگ محکوم میکرد ولی تخت رحمت برتر از آن الواح بود، زیرا حضور خداوند را اعلام میکرد و از آنجا بود که توبه گناهکاران مورد عفو قرار میگرفت. بدین ترتیب اقدام نجاتبخش مسیح در تشریفات خدمات معبد نمودار میشد. "رحمت و راستی باهم ملاقات کرده اند، عدالت و صلح یکدیگر را بوسیده اند." (۹)

جلالی که درون معبد ظاهر میشد غیر قابل وصف است. دیوارها باپوششی از طلا نور شمعها را منعکس میساختند، سوزنکاری های رنگارنگ سقف معبد، درخشش میز و مذبح بخور، و ورای پرده درونی تابوت مقدس با فرشته های مرموز و شکاینای مقدس که مظهر حضور الهیت بود، همه اینها شمه ای از انعکاس جلال قدس خدا در آسمان بود که مرکز اصلی کار بازخرید بشر میباشد.

ساختمان معبد تقریباً شش ماه طول کشید. در تمام مدت موسی طبق نقشه ای که باو نشان داده شده بود کار معماران و کارگران را بدقت بازرسی و سرپرستی میکرد. "موسی تمام کارهای انجام شده را ملاحظه کرد و بخاطر آن، قوم را برکت داد، چون همه چیز مطابق دستور خداوند ساخته شده بود." (۱۰) جماعت بنی اسرائیل با علاقه مفراط اطراف معبد جمع شدند تا کار ساختمان معبد را تماشا کنند. در حالی که جماعت با تحسین بتماشای معبد ایستاده بودند ستونی از ابر بالای آن مستقر شد و آهسته آهسته نزول کرده آن را احاطه نمود. آنگاه ابری خیمه عبادت را پوشانید و حضور پرجلال خداوند آن را پر ساخت. (۱۱) این واقعه نمایشی از مظهر الوهیت بود و موسی از هیبت آن مدتی قادر

بدخول بآنجا نبود. جماعت با احساساتی عمیق شاهد آن علامت رضایت خداوند بودند. ولی در اثر هیبتی که به آنان مستولی شده بود شادی آنان در سکوتی مطلق و محترمانه در حالیکه اشک شادی از دیدگانیشان جاری بود تشکرات خود را صمیمانه اظهار داشتند.

به دستور الهی سبط لاوی برای خدمت معبد انتخاب شد. در سابق هر مردی کاهن خانواده خود محسوب میشد. در ایام ابراهیم کهانت حق مسلم نخست زادگان یا فرزندان ارشد بود. اکنون بجای فرزندان ارشد اسرائیل، خداوند سبط لاوی را برای این کار مقدس برگزید. با این انتخاب افتخار آمیز خداوند رضایت خود را نسبت به لاویان در مورد خدمت صادقانه آنان و همچنین اجرای فرمان او در زمانیکه عده کثیری به پرستیدن گوساله طلائی پرداخته بودند بمنصه ظهور رسانید. ولی مقام به خانواده هارون تعلق داشت. تنها هارون و پسرانش اجازه داشتند در حضور خداوند خدمت کنند. بقیه افراد سبط، دستیاران کاهنان و سبط محافظ معبد و اموال آن بودند. ولی اجرای عمل قربانی و سوزانیدن بخور جزء وظائف آنان نبوده و تا زمانیکه اشیا مقدس پوشیده نبودند حق نگاه کردن به آنها را نداشتند.

لباس های مخصوصی برای کاهنان برحسب مقامشان تهیه گردید.  
لباس های مخصوصی برای هارون تهیه کن تا معلوم باشد که او برای خدمت من جدا شده است. لباس های او زیبا و برازنده کار مقدس او باشد." (۱۲) خرقه کاهن های عمومی از کتان سفید و یک پارچه بافته شده بود که تمام بدن را تا مچ پا میپوشانید و کمربندی کتانی سوزنکاری شده برنگهای آبی و بنفشه و ارغوانی برمیان بسته عمامه ای کتانی بر سر پیچیده میشد. موسی در هنگام بعثت وقتی که به شعله بوتنه نزدیک شد نعلین خود را از پا در آورد زیرا زمینی که بر آن ایستاده بود مقدس بود. همچنین کاهنان هنگام دخول به معبد با پای برهنه میرفتند تا گرد و خاک بیابان را توسط کفشهای خود به معبد نبرده و آنجا را آلوده نکنند. قرار چنین بود که نعلین خود را در صحنه معبد بجای گذاشته و دست و پای خود را بشویند و بعد بخدمت معبد در آمده عمل قربانی را بجا آورند. بدین ترتیب ضرورت نظافت و طهارت را در حضور خداوند آموختند.

البسه رئیس کاهنان از موادی گرانبها و کارهای دستی هنرمندان که با مقام مقدسشان مطابقت داشت ساخته شده بود. اضافه بر خرقه

کاهن های معمولی رئیس کاهنان ردائی آبی رنگ و یک پارچه روی آن بتن میکرد که زنگوله هائی طلائی و شکل انارهایی برنگ آبی و بنفش و ارغوانی بر حاشیه اش آویزان بود. روی ردای مزبور ایفود جلیقه مانندی از طلا که برنگهای آبی، بنفش، ارغوانی و سفید بافته شده بود میپوشید و کمربندی با همان رنگها روی آن میبستند. ایفود آستین نداشت ولی بر شانه های زربافت آن دو قطعه عقیق سلیمانی نصب شده بود که نام دوازده سبط اسرائیل را بر آنها قلم زده بودند.

روی ایفود سینه بندی که از همان مواد ایفود ساخته شده بود و نشانه قدوسیت و پاکی کاهن بود قرار داشت. شکل آن مربع و عرض و طولش یک وجب با ریسمان آبی رنگی از دو حلقه طلائی که روی شانه های کاهن بود آویخته میشد. حواشی آن با سنگهای گرانبها و مختلفی شبیه دوازده شالوده شهر خداوند مزین بود. داخل حاشیه های مزبور دوازده سنگ گرانبها در چهار ردیف در قاب های طلائی قرار داشتند که نام دوازده اسباط اسرائیل بر هر کدام از آنان حک شده بود. دستور خدا بدین مضمون بود: "به این ترتیب وقتی هارون به مقدس وارد می شود، نامهای تمام قبایل بنی اسرائیل را که روی سینه بند کننده شده،

با خود حمل خواهد کرد تا به این وسیله قوم همیشه در نظر خداوند باشند." (۱۳) "من فقیر و درمانده ام، اما خداوند برای من فکر می کند. ای خداوند من، تو مددکار و رهاننده من هستی، پس تأخیر نکن." (۱۴) بر سمت راست و چپ سینه بند دو سنگ بزرگ و درخشان نصب بودند. خداوند توسط

آنها اراده خود را به رئیس کاهنان ابلاغ میفرمود. رضایت یا پاسخ مثبت خداوند توسط تشکیل هاله یا حلقه نوری بود که بر سنگ سمت راست احاطه میشد ولی در صورت عدم رضایت و یا رد مسئله ای ابر بر سنگ سمت چپ سایه می افکند.

عمامة رئیس کاهنان از کتان نازک سفید رنگی ساخته شده بود

توسط

یراقی آبی رنگ بر آن نصب شده بود. تمام جزئیات البسه و رفتار کاهنان بنحوی انجام میگرفت که بیننده را تحت تأثیر ابهت خداوند و قدوسیت عبادت و طهارت در حضور او قرار میداد.

معبد و فرایضی را که کاهنان در آن انجام میدادند میباید "در واقع نمونه و تقلیدی. . . از امور آسمانی" (۱۵) باشند. بنابراین معبد از

اهمیت فوق العاده زیادی برخوردار بود و خداوند بموسی در مورد فرایض معبد نمونه ای، دستوراتی قطعی صادر فرمود. فرایض معبد بدو خدمت، روزانه و سالیانه تقسیم شده بود. خدمت روزانه با مذبح قربانیهای سوختنی واقع در صحنه و اطاق اول که به قدس معروف بود مربوط بود و خدمت سالیانه تنها در قدس الاقداس یا اطاق دوم انجام می گرفت.

هیچ احدی جز رئیس کاهنان حق نظر افکندن به اشیاء قدس الاقداس را نداشت و او سالی یکبار با تدارک پیش بینی های دقیق می توانست به آنجا داخل شود. وی با خضوع و خشوع بحضور خداوند حاضر میشد و مردم با طلب مغفرت و اشتیاقی عجیب در انتظار مراجعت او می ماندند. رئیس کاهنان در مقابل تخت رحمت جهت بنی اسرائیل کفاره مینمود و خداوند دعای او را توسط ابر جلال مستجاب می فرمود. چنانچه توقف او بیش از مدت معین طول می کشید آنان را دچار وحشت نموده و یقین داشتند که به علت گناهان مردم یا گناهان خودش در اثر رویت جلال خدا نابود شده است.

خدمت روزانه شامل قربانی صبحگاهی و شامگاهی، سوزاندن بخور معطر بر مذبح طلائی و قربانی کفاره گناهان مخصوص افراد بود. همچنین

تقدیم هدایای روزهای سبت و ماه جدید و جشنهای مختلف نیز از وظائف کاهنان در خدمت روزانه بود.

هر روز صبح و شام یک برهٔ یکساله باتفاق قربانیهای خوردنی به عنوان تبرک غذای یومیة امت و انکای دائمی برکفارة خون مسیح روی مذبح سوزانیده میشد. خداوند تأکید فرموده بود که حیوان قربانی باید "بی عیب" (۱۶) باشد. یکی از وظائف کاهنان این بود که حیوانات قربانی را معاینه کرده هر کدام که معیوب و بیمار بود رد کنند. تنها قربانی "بی عیب" می توانست نمایندهٔ قربانی "بره ای بی گناه و بی عیب" (۱۷) حقیقی باشد. پولس رسول با اشاره به این قربانیها معین میکند که وضع و حالت پیروان چگونه باید باشد. وی می فرماید: "ای ایمانداران عزیز، در مقابل این لطف و رحمت خدا، التماس می کنم که بدنهای خود را مانند قربانی زنده و مقدس به او تقدیم کنید، زیرا این است قربانی که مورد پسند اوست." (۱۸) خود را برای خدمت به خداوند وقف باید کرد و این حالت حتی المقدور باید بطور کامل و بی عیب انجام گیرد زیرا طریق دیگری برای رضایت خداوند نمی توان یافت. وفاداران و پیروان حقیقی خداوند خود را با تمامی وجود باو تسلیم میکنند و همواره طریقی

را اختیار می نمایند که تمام زندگی و قوای ذاتی آنان با اراده خداوند یکتا هماهنگی داشته باشد.

سوزانیدن بخور، کاهن را بیش از هر فریضه دیگر، بحضور خداوند نزدیک میکرد. از آنجائیکه پرده داخلی معبد کوتاهتر از سقف معبد بود پرتو تشعشع جلال خداوند ماوراً تخت رحمت در اطاق دوم میتابید. وقتی کاهن در حضور خداوند بخور میسوزانید تمام توجهش به تابوت عهد بود و در حالیکه عطر بخور بطرف بالا صعود میکرد حلال الهی بر تخت رحمت نازل شده قدس الاقداس را از نور الهی مملو میساخت. گاهی شدت و تشعشع آن به اندازه ای بود که کاهن بالاجبار بایستی از درگاه قدس خارج شود. بدین ترتیب در خدمت و یأس خود قادر به رؤیت تخت رحمت نبود بلکه تنها از روی ایمان میتوانست جلال و جلوه آن تخت را بنگرد. مؤمنین امروزه باید در نظر داشته باشند که مسیح در نقش کاهن بزرگ در معبد سماوی دور از انظار همگان برای بخشیدن ایمانی استوار به ابنای بشر و نجات ابدیشان شفاعت میکند.

بخوری که توأم با دعاهاى بنی اسرائیل بالا میرفت نمودار فضیلت و شفاعت مسیح و عدالت کامل اوست که توسط آن مؤمنین عادل

شمرده شده و عبادتشان مقبول خدا میگردد. در برابر پرده قدس الاقداس، مذبح شفاعت دائمی وجود داشت، جائی که کفاره گناهان داده میشد و میبایستی که خون قربانی و بخور را به نزد خدا آورند. این دو سمبل شفیع بزرگ بودند که تنها از طریق آنان رحمت و نجات خداوند شامل حال مؤمنان میگردد.

همزمان با دخول کاهنان به قدس برای سوزانیدن بخور، قربانی یومیه روی مذبح بیرونی قرار داشت. برای جماعتی که در صحنه معبد برای عبادت جمع شده بودند این دقایق بسیار جالب بود. قبل از داخل شدن کاهنان بحضور خداوند، همه باید گناهان خود را بیاد آورده در حال سکوت رو به قدس الاقداس نموده به گناهان خود اعتراف نمایند. بدین ترتیب استدعای آنان همراه با ابر بخور به آسمان صعود میکرد، آنگاه درجه اهمیت فداکاری منجی موعود را که در سمبل قربانی کفاره ظاهر میگشت با ایمان درک میکردند. از آنجائیکه ساعات برگزاری فرایض قربانیهای صبح و شام زمان مقدسی بودند رفته رفته آن مواقع زمان عبادت رسمی قوم اسرائیل گردید. قرن‌ها بعد که بنی اسرائیل به اسارت به دیار بعید برده شدند صبح و شام روی خود را بسوی اورشلیم کرده به

خدای اسرائیل دعا میکردند. مسیحیان مؤمن نیز همین مراسم را یومیه بجا می‌آوردند اگر چه خداوند از اجرای مراسمی که از روح عبادت ، از کسانی که با فروتنی و تواضع از او طلب مغفرت و برکت مینمایند خوشنود است.

بعنوان بخشی از عبادت یومیه، نان تقدّمه همیشه روی میز بحضور خداوند تقدیم میشد. از آنجائی که این نان هر روزه بحضور خداوند تقدیم میشد آنرا نان تقدّمه می‌نامیدند. منظور از اجرای این مراسم اعترافی بود که مردم هم به جهت خوراک جسمی و هم برای غذای روحی خود بحضور خداوند میکردند. و در یافت این غذای جسم و روح را تنها توسط شفاعت مسیح میسر میدانستند. خداوند بنی اسرائیل را در بیابان با نان آسمانی تغذیه کرده بود و هنوز هم از لطف بیکران او مستفیض بودند. من و نان تقدّمه هر دو بمسیح که نان حیات است و در حضور خدا برای ما شفاعت نموده اشاره میکنند. وی فرمود: آن نان زنده، که از آسمان نازل شد، منم." (۱۹) روی گرده های نان کندر می‌پاشیدند و هر روز شنبه آن نان ها را تجدید میکردند و کندر روی آنها را به عنوان یادبود روی مذبح می‌سوزانیدند.

مهمترین قسمت کار روزانه در فریضه ای بود که بخاطر افراد انجام میگرفت. گناهکار نادم قربانی خود را بدر عبادتگاه می آورد و دست خود را روی سر قربانی نهاده به گناهان خود اعتراف می کرد و در معنی گناهان خود را به قربانی معصوم منتقل می ساخت. آنگاه بدست خود حیوان را ذبح می کرد و کاهن خون آن را بداخل معبد در مقابل احکامی که فرد آنان را نقض کرده بود می پاشید. بدین ترتیب گناه آن شخص توسط خون قربانی بطور معنوی بمعبد انتقال می یافت. بعضی اوقات خون قربانی را به معبد نمی بردند و بجای آن گوشت قربانی را طبق دستور موسی به بنی هارون میدادند. "قربانی گناه. . . بسیار مقدس می باشد و خدا آن را به شما داده است تا گناه قوم اسرائیل را در حضور خداوند کفاره نمایید." (۲۰) در واقع در هر صورت گناه شخص مقصر بطور معنوی به معبد منتقل میشد.

سر تا سر سال فرایض روزانه بدین منوال انجام می گرفت . در اثر استمرار این عمل چون گناهان تمام اسرائیل بطور معنوی به معبد آلوده میشد و برای طهارت و از بین بردن آلودگی آن فعالیت های خاصی باید انجام میگرفت. لذا خداوند

هارون را امر فرمود "با انگشت خود هفت بار خون را بر قربانگاه بپاشد، و به این ترتیب آن را از آلودگی گناهان بنی اسرائیل پاک نموده، تقدیس کند." (۲۱)

در روز کفاره دو بز بدر معبد می آوردند و بر آنها قرعه می انداختند. یکی برای خداوند و دیگری برای عزازیل. بزی که بقرعه خداوند انتخاب میشد برای گناه مردم قربانی میشد. کاهن خون آن را بداخل پرده درونی برده روی تخت رحمت می پاشید "به این ترتیب برای قدس الاقداس که سبب گناهان قوم اسرائیل آلوده شده و برای خیمهٔ عبادت که در میان قوم واقع است و با آلودگیهای ایشان احاطه شده، کفاره خواهد کرد." (۲۲)

هارون "هر دو دست خود را روی سر حیوان (عزازیل) قرار داده، تمام گناهان و تقصیرات قوم اسرائیل را اعتراف کند و آنها را بر سر بز قرار دهد. سپس بز را به دست مردی که برای این کار تعیین شده است بدهد تا آن را به بیابان برده در آنجا رهایش سازد. بدین ترتیب آن بز تمام گناهان بنی اسرائیل را به سرزمینی که کسی در آنجا سکونت ندارد می برد." (۲۳) وقتی بز به بیابان برده میشد مردم احساس آزادی از بار

گناه میگردند. همزمان با مراسم کفاره گناهان عموم بنی اسرائیل که در حال راز و نیاز بدرگاه خدای یکتا بودند، بخشوده میشدند تمام قوم اسرائیل فعالیت‌های روزانه خود را ترک گفته با فروتنی تمام روز را در استغاثه و دعا و روزه بسر میبردند.

این تشریفات سالیانه ، حقایق بسیار مهمی را در باره کفاره گناهان بمردم می آموخت. این قربانی ها که در خلال سال ذبح می شدند در واقع برای کفاره گناه شخص خطاکار پذیرفته میشد ولی این امر گناه را محو نمیکرد بلکه تنها واسطه ای برای انتقال گناه به معبد بود. شخص گناهکار با ریختن خون در ضمن اقرار به قدرت شریعت به گناهان خود اعتراف نموده ایمان خود را نسبت به قربانی واقعی که در آینده خواهد آمد تا گناه جهان را پاک سازد اعلام می داشت. ولی با اینهمه شخص بطور کلی از جزای شریعت رهایی نداشت. در روز داوری رئیس کاهنان از طرف قوم قربانی را بدست گرفته وارد قدس الاقداس میشد و خونس را بر تخت رحمت بالای الواح احکام میپاشید. بدین ترتیب دین خطاکار در مقابل شریعت ادامه می شد و کاهن بعنوان شفیع، گناهان مردم را به عهده خود گرفته از معبد خارج می شد. در مقابل در ورودی معبد "هر

دو دست خود را روی سر حیوان قرار داده، تمام گناهان و تقصیرات قوم اسرائیل را اعتراف کند و آنها را بر سر بز قرار دهد. سپس بز را به دست مردی که برای این کار تعیین شده است بدهد تا آن را به بیابان برده در آنجا رهاش سازد." (۲۴) اکنون بز را که حامل تمام گناهان قوم بود در بیابان رها میکردند آنگاه مردم از گناهان خود پاک و مبرا میشدند. این فریضه "در واقع نمونه و تقلیدی است از امور آسمانی." (۲۵)

چنانچه گفته شد معبد فوق الذکر توسط موسی طبق دستور و نمونه ای که در کوه بر او ظاهر گردیده بود ساخته شد. امروز، از این موضوع می توانیم درس مهمی فرا بگیریم. طبق شریعت و روش قدیم، مردم هدایا و قربانی ها تقدیم می کنند، اما هیچیک از اینها قادر نیست دل عبادت کننده را از آلودگیها پاک سازد." (۲۶) "به همین دلیل، خیمه مقدس زمینی و متعلقات آن، که نمونه و سایه ای از چیزهای آسمانی بود، می بایست همه با خون حیوانات پاک گردند." (۲۷) محل خدمت مسیح که "کاهن عظیم" در "پرستشگاه مقدس آسمان یعنی جایگاه واقعی پرستش است که سازنده آن خداوند است، نه انسان." (۲۸) یوحنا رسول وقتی معبد آسمانی را در رؤیای خود دید آنرا چنین توصیف کرد: "در مقابل آن

تخت، هفت چراغ نیز روشن بود." (۲۹) فرشته ای را دید "در کنار قربانگاه ایستاد. در دست او آتشدانی برای سوزاندن بخور بود. پس به او مقدار زیادی بخور دادند تا با دعا‌های مؤمنین بیامیزد و بر روی قربانگاه زرین که پیش تخت خدا قرار دارد، تقدیم کند." (۳۰) در این رؤیا نبی اطاق

#### مذبح

را دید که نمونه آنها در معبد موسی وجود داشت. آنگاه "خانه خدا در آسمان کشوده شد و صندوقی که عهد نامه خدا در آن بود، ظاهر گشت." (۳۱) آنگاه نبی پشت پرده درونی داخل قدس الاقداس را مشاهده کرد. در آن تابوت اصلی را که نمونه آن در معبد موسی بود و حامل الواح احکام بود دید.

موسی معبد را "درست مطابق آن نقشه ای ساخته. . . بود که فرشته خدا به موسی نشان داده بود" (۳۲) به اتمام رسانید. پولس رسول میفرماید "تمام وسایلی که در مراسم عبادت بکار می رفت. . . نمونه و سایه ای از چیزهای آسمانی بود." (۳۳) یوحنا رسول نیز معبد سماوی را در رؤیا دید. معبدی که موسی بر زمین بنا نهاد قرینه ای از معبد اصلی است که در آسمان است که مسیح در آنجا شفاعت گناهان ما را مینماید.

معبد سماوی در واقع اقامتگاه شاه شاهان است که در آن "هزاران نفر او را خدمت می کردند و میلیونها نفر در حضورش ایستاده بودند." (۳۴) معبدی است که با جلال عرش ابدی خداوند مملو میباشد، محافظ، چهره خود را با کمال احترام میپوشانند. هیچ مخلوقی قادر به تحمل حضور عظمت و جلالش را نخواهد داشت. با این وصف در طریق خدمات معبد زمینی حقایق بینهایت مهمی که در معبد سماوی برای نجات بشر خطاکار انجام میگرفت می باید آشکار میشد. مسیح پس از صعود به عنوان رئیس کاهنان ما کار خود را در آسمان شروع کرد. پولس رسول می فرماید: "زیرا مسیح به خود آسمان داخل شد تا از جانب ما در پیشگاه خدا حاضر باشد. بلی، او وارد پرستشگاه زمینی نشد، چون این فقط نمونه ای از آن پرستشگاه آسمانی است." (۳۵) بهمان منوالی که خدمت مسیح شامل دو مرحله بود و هر کدام مدت معینی وقت لازم داشت و در جای مخصوصی انجام می گرفت، همانطور تشریفات معبد نمونه ای نیز دارای دو مرحله بود یعنی بخش روزانه و بخش سالیانه و هر قسمت در محل معین و مخصوصی انجام می گرفت.

همانطور که مسیح پس از صعود بحضور خداوند رفت و توسط خون خودش طلب مغفرت گناهان مؤمنین را نمود، همانطور کاهن در خدمت یومیة معبود زمینی، خون قربانی را برای مغفرت گناهان امت بر مذبح اطاق اول می پاشید.

اگر چه خون مسیح گناهکار را از محکومیت خلاصی می داد ولی خود گناه را محو نمیکرد و گزارش آن گناه در دفتر معبد تا کفاره نهائی ثبت می شد. بهمین منوال در معبد نمونه ای، خون قربانی گناه را از گناهکار دور میکرد ولی گزارش آن تا روز کفاره در معبد باقی می ماند.

در روز داوری "مرده ها را دیدم که از بزرگ و کوچک در برابر خدا ایستاده اند. دفترها یکی پس از دیگری گشوده شد تا به دفتر زندگان رسید. مردگان همگی بر طبق نوشته های این دفترها محاکمه شدند." (۳۶) آنگاه به فیض خون مسیح، گناهان مؤمنین واقعی از کتاب آسمانی محو و نابود خواهند شد. بدین ترتیب معبد آسمانی از آثار گناه بکلی طاهر خواهد شد. در معبد نمونه ای گناهان در روز کفاره محو میگردد. طهارت کامل معبد نمونه ای با رد گناهی که با آنها آورده شده بود انجام میگرفت.

در کفاره نهائی گناهان تابعین حقیقی از دفاتر و آمار سماوی بطوری محو خواهند شد که حتی فکر آن به مخیله آنان راه نخواهد یافت. همانطور در معبد نمونه ای گناهان مردم به بیابان فرستاده میشد تا برای همیشه از جماعت دور باشد.

شیطان والد گناه و محرک مستقیم تمام گناهانی است که باعث مرگ مسیح گردید. عدالت خدا او را مستحق مجازات نهائی میکند. کار مسیح برای بازخرید بشر و طهارت کائنات و رد گناه موقعی بکمال خواهد رسید که گناه ثبت شده آسمانی بعهدده شیطان نهاده شده باشد و او جزای گناهانش را متحمل شود. در معبد نمونه ای آخرین قسمت تشریفات سالبانه طهارت معبد بوسیله اعتراف گناهان قوم بر سر بز عزازیل بود.

بنابر این در خدمات معبد زمینی قوم بنی اسرائیل حقایق عظیم مرگ و شفاعت مسیح را فرا میگرفتند و سالی یک بار فکر و ذکر مردم به وقایع نهائی مبارزه بزرگ بین مسیح و شیطان معطوف میگردد، یعنی طهارت نهائی کائنات از گناه و خلع گناهکار از کائنات.